



10 جون 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

تلاشهای ممتد برای تأمین صلح و مبارزه علیه تروریسم در کشور

رئیس جمهور غنی در هفدهمین اجلاس سازمان همکاری‌های شانگهای که دیروز در آستانه، پایتخت قزاقستان آغاز شد، با چهار تن از مشاوران ارشد خود اشتراک کرد. سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۰۱ میلادی برای گسترش همکاری‌های نظامی و اقتصادی ایجاد شد. چین، روسیه، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرغزستان، هند و پاکستان اعضای این سازمان هستند.

هرچند افغانستان در این نشست به عنوان ناظر شرکت میکند، اما امنیت در افغانستان یکی از بحث‌های محوری این نشست را می‌سازد. رییس جمهور غنی، در کنار تأکید بر همکاری صادقانه کشورهای منطقه در پیکار با تروریسم، گسترش همکاری‌های منطقه را یک ضرورت می‌داند. او گفت: «هموار ساختن راه برای پیوند دادن کشورهای عضو و کشورهای ناظر سازمان جهانی شانگهای، یک گام حیاتی است که باید برداشته شود. موقعیت افغانستان در قلب آسیا و نیز چون دروازه به آسیای جنوبی، کشور ما را به یک دهلیز منطقه ای مبدل ساخته است.»

در این نشست، هند و پاکستان به حیث اعضای تازه سازمان همکاری‌های شانگهای رسماً پذیرفته شدند. نارندا مودی صدراعظم هند به این باور است که این سازمان در آوردن صلح به افغانستان نیز اثرگذار است و ضمن بیانیه خود گفت که: «موضوع، چه تندروری باشد، چه سربازگیری هراس افکنان و چه منابع مالی آنان، تا زمانی که تمامی کشورها به گونه مشترک تلاش نورزند، حل این چالش‌ها ناممکن خواهد بود.» همچنان ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه تأکید می‌ورزد که جنگ افغانستان، راه حل نظامی ندارد و بیان داشت که: «راه حل نظامی قابل بحث نیست. روسیه و سازمان همکاری‌های شانگهای به راه حل سیاسی باور دارند. ما در این عرصه، در کنار افغانستان می‌ایستیم و باهم کار می‌کنیم.»

اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان امروز جمعه 19 جوزا 1396 (9 جون 2017) در حاشیه نشست شانگهای با نواز شریف، صدراعظم پاکستان دیدار کرده است. رسانه‌های پاکستان گزارش داده اند که آنها در مورد روابط دو کشور، وضعیت منطقه و مبارزه با تروریسم مذاکره کرده‌اند. در ماه‌های اخیر روابط میان افغانستان و پاکستان بسیار پرتنش بوده است و کابل، اسلام آباد را به پناه دادن و حمایت از گروه طالبان که به صورت مسلحانه علیه دولت افغانستان می‌جنگد، متهم می‌کند؛ اتهامی که پیوسته از سوی مقامات پاکستان رد شده است. چهارشنبه گذشته انفجار یک تانکر مملو از مواد منفجره در کابل جان دست کم ۱۵۰ نفر را گرفت و حدود ۵۰۰ نفر را زخمی کرد. ریاست امنیت ملی افغانستان اعلام کرده که این حمله از سوی شبکه حقانی و با حمایت سازمان اطلاعاتی پاکستان انجام شد. چهار روز پیش در اجلاس "پروسه کابل"، آقای غنی در حضور تهمینه جنجوعه، معاون ارشد وزیر خارجه پاکستان گفت که افغانستان با امضای چند تفاهمنامه بارها تلاش کرده تا

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

همکاری پاکستان در زمینه مبارزه با تروریسم را جلب کند اما این تلاش‌ها به گفته او نتیجه‌ای نداشته است.

در حاشیه نشست کشورهای شانگهای اشرف غنی ضمناً با رئیس جمهور چین نیز ملاقات کرد. شین جین‌پینگ، رئیس جمهوری چین نیز در این دیدار با اشرف غنی گفت که آماده است تا نشستی سه‌جانبه را میان افغانستان، پاکستان و چین راه‌اندازی کند. رئیس جمهوری افغانستان امروز همچنین با رشید عالم‌اف، دبیرکل سازمان همکاری‌های شانگهای دیدار کرد و دبیرکل سازمان شانگهای گفته که این سازمان خواستار تأمین صلح و ثبات در منطقه به ویژه در افغانستان است و تلاش‌های حکومت افغانستان نیز در این زمینه قابل درک است. همچنین رئیس جمهور افغانستان در حاشیه این نشست با محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران دیدار کرده و به گزارش خبرگزاری فارس دو طرف در مورد حملات تهران و کابل صحبت کرده‌اند. وزیر خارجه ایران همچنین بر گفت‌وگوهای استراتژیک دو کشور تأکید کرده و گفته گروه‌های کاری برای تطبیق موافقتنامه که در این زمینه امضا شده کار را شروع کرده‌اند.

در ارتباط با آوردن صلح و مبارزه با تروریسم چار روز قبل بتاريخ 16 جوزا 1396 نشست نمایندگان 26 کشور در ارگ ریاست جمهوری در کابل دائر گردید و رئیس جمهور غنی در باره آوردن صلح به حیث یک نیاز عمومی نه تنها برای افغانستان ف بلکه برای منطقه و جهان تأکید کرد و از نقش جامعه جهانی خواست تا در آوردن صلح و ثبات در افغانستان عملاً حمایت نمایند.

در این ارتباط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان بروز سه شنبه مورخ 16 جوزا 1396 گزارشی را تحت عنوان **"پروسه کابل، نگرش مردم و گفت‌وگوهای صلح در چهار دهه گذشته"** ارائه نموده که متن آن در سایت فارسی / دری بی بی سی به نشر رسیده است. نظر به اهمیت این گزارش و تلاش‌های صلح در افغانستان اینک به یک قسمت آنرا در اینجا جهت معلومات مزید علاقمندان اقتباس و به نشر میرسانم:

«پروسه‌ی کابل از آن جهت که «تهداب صلح» را می‌گذارد، مهم است. این تهداب‌گذاری اما از واقعیت دیگری نیز پرده بر می‌دارد: آیا دولت افغانستان طی سال‌های گذشته، زمان زیاد و هزینه‌های هنگفت مالی را بدون «تهداب» مصرف کرده است؟ یعنی از ایجاد کمیسیون تحکیم صلح و آشتی ملی تا لویه‌جرگه مشورتی صلح و ایجاد شورای عالی صلح گرفته تا نشست‌های استانبول و اخیراً نشست‌های چهارجانبه افغانستان، امریکا، پاکستان و چین که قرار بود نقشه‌ی صلح را تدوین کند، همه یک آزمون و خطا بوده‌اند؟

صرف نظر از این که دولت افغانستان چه تهدابی برای صلح با طالبان و سایر گروه‌های مخالف مسلح می‌گذارد، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در دو سال گذشته، دو تحقیق علمی و ارزشمند را به طور جداگانه در خصوص مسأله گفت‌وگوهای صلح در افغانستان، منتشر کرده است. پژوهش نخست، زیر عنوان «نگرش و برداشت مردم افغانستان از گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان» در حوت ۱۳۹۴ منتشر شد. این تحقیق که یک نظرسنجی است، در ۱۵ ولایت افغانستان صورت گرفته است. پژوهش بعدی، «بررسی گفت‌وگوهای صلح در افغانستان در چهار دهه‌ی گذشته» است که زمستان سال ۱۳۹۵ منتشر شد.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، در نظرسنجی علمی که انجام داده در واقع به صورت بی‌طرفانه نگرش‌ها و برداشت‌های مردم را نسبت به گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان گردآوری و فراهم کرده تا از این طریق، دریافت‌ها و راحل‌های علمی و تحقیقاتی را در اختیار مردم و نهادهای دخیل در مسأله گفت‌وگوهای صلح قرار دهد. از این جهت، مروری هر چند گذرای این دو پژوهش و راه‌هایی که به واسطه آن ارائه می‌شود، برای کارگزاران و نهادهای دخیل در مسأله گفت‌وگوهای صلح مفید است.

تحقیق «نگرش و برداشت مردم افغانستان از گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان»

یافته‌ها و پیشنهادها:

بر اساس نتایج این تحقیق، ۷۰/۶ درصد پاسخ‌گویان معتقد اند که گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان «ناکام بوده» است. ۲۱/۵ درصد پاسخ‌گویان نیز عقیده داشته‌اند که «تا حدودی موفق بوده» است. به طور متوسط پاسخ‌گویان (۱۵۴۰ نفر) میزان موفقیت حکومت وحدت ملی را در برقراری صلح ۲۸/۶۰ درصد می‌دانند.

مهم‌ترین نگرانی‌های پاسخ‌گویان در باره گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان: معامله شدن حق و حقوق مردم (۲۵ درصد)، برقرار نشدن صلح (۲۰ درصد)، شفاف نبودن مذاکرات صلح (۱۹ درصد) نادیده گرفتن حق و حقوق زنان (۱۴/۳ درصد) و نادیده گرفتن قانون اساسی (۱۳/۷ درصد).

از نگاه تقریباً ۶۸ درصد پاسخ‌گویان، «برنامه‌ی جذب مخالفین مسلح به روند صلح» موفق نبوده است. بزرگ‌ترین موانع برقراری صلح در افغانستان از نظر شرکت‌کننده‌گان این نظرسنجی به ترتیب: دولت ضعیف و فساد گسترده (تقریباً ۳۴ درصد)، طالبان (تقریباً ۲۰ درصد)، قوم‌گرایی و قبیله‌گرایی (۱۱/۴ درصد)، فقر و بی‌سوادی مردم (۱۱/۲ درصد)، زورمندان محلی و مافیای مواد مخدر (۸/۲ درصد)، حضور نیروهای خارجی (تقریباً ۶ درصد). تقریباً ۴۸ درصد پاسخ‌گویان بر این عقیده‌اند که «پاکستان و کشورهای منطقه» بیشترین سود را از جنگ و ناامنی افغانستان می‌برند. «امریکا و کشورهای غربی» با ۲۰ درصد و «دولت‌مردان فاسد» با تقریباً ۱۷ درصد در رده‌ی دوم و سوم قرار دارند.

۳۳/۶ درصد پاسخ‌گویان معتقد اند که «دخالت کشورهای همسایه و منطقه» عامل اصلی ناکامی گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان است. تقریباً ۳۱ درصد پاسخ‌گویان معتقد اند «ضعف دولت افغانستان» عامل ناکامی است. نزدیک به ۱۴ درصد پاسخ‌گویان «دخالت امریکا و کشورهای غربی» را عامل ناکامی دانسته‌اند و از دید ۹/۴ درصد پاسخ‌گویان هم «سهیم‌نبودن مردم در مذاکرات صلح» عامل ناکامی معرفی شده است. به همین ترتیب، پاسخ‌گویان این نظرسنجی، شورای عالی صلح را سمبولیک (۱۹/۹ درصد) و فاسد (۱۶/۴ درصد) خواندند که از حمایت مردمی برخوردار نیست و استقلال لازم را هم ندارد. ۱۱/۴ درصد پاسخ‌دهنده‌گان گفته‌اند که خارجی‌ها در کار این شورا دخالت می‌کنند.

اکثر پاسخ‌گویان (۷۰/۷ درصد) معتقد اند که «مقامات دولت درباره‌ی صلح با طالبان وحدت نظر ندارند». تقریباً ۸۶ درصد پاسخ‌گویان اهمیت نقش مردم در برقراری صلح را مهم دانسته و تقریباً ۶۲ درصد پاسخ‌گویان اهمیت نقش زنان در برقراری صلح را زیاد مهم شمرده‌اند.

د پانوی شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

قریباً ۷۷ درصد پاسخ‌گویان معتقد اند که اعمال طالبان «هیچ قابل قبول نیست» و اکثریت نسبی پاسخ‌گویان (۲۸/۴ درصد) دلیل اصلی جنگیدن طالبان را «تأمین منافع پاکستان» می‌دانند. ۶۳/۳ درصد پاسخ‌گویان، به طالبان عنوان «دشمن» داده‌اند. از دید پاسخ‌گویان نظرسنجی، شورای علمای افغانستان، رسانه‌های جمعی و سران جهادی و قومی می‌توانند بیشترین تأثیر را در موفقیت گفت‌وگوهای صلح داشته باشند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، محققان این نظرسنجی برای بازگرداندن صلح در جامعه پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند:

اهمیت قایل‌شدن به نقش مردم و زنان در برقراری صلح، در نظرگرفتن نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در برقراری صلح افغانستان، حفظ دست‌آوردهای ۱۴ سال گذشته، شفافیت در روند گفت‌وگوهای صلح، آوردن اصلاحات و تغییر جدی در شورای عالی صلح، استفاده از ظرفیت علمای افغانستان و استفاده از رسانه‌های جمعی در برقراری صلح و همچنین تقویت نیروهای نظامی افغانستان از جمله‌ی این پیشنهادها است.

تحقیق اول یک نظرسنجی بود که در ۱۵ ولایت کشور صورت گرفته و هدف آن گردآوری برداشت‌ها و نگرش‌های مردم نسبت به گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان بود، اما پژوهش دوم، گفت‌وگوهای صلح را در چهار دهه‌ی گذشته‌ی افغانستان بررسی کرده است. این دو تحقیق علمی، مکمل هم‌دیگر می‌باشند.

بررسی گفت‌وگوهای صلح در افغانستان در چهار دهه‌ی گذشته

تحقیق «بررسی گفت‌وگوهای صلح در افغانستان در چهار دهه‌ی گذشته» در پی ارائه‌ی یک نقشه‌ی راه برای رسیدن به صلح عادلانه و پیش‌برد موفقانه‌ی مذاکرات جاری با مخالفین مسلح با اتکا به روندهای تجربه‌شده و فهم تاریخی است. این تحقیق که از ۷ ثور ۱۳۵۷ آغاز می‌شود و تحولات آتی پس آن را دنبال می‌کند در پی آن است تا با تحلیل و بررسی عوامل متعدد خشونت در چهار دهه‌ی گذشته، موانع و دشواری‌های اصلی فرا راه صلح را شناسایی و نیز، عوامل مشوق ممد صلح را برجسته کند.

در این تحقیق، با ۳۲ تن از رهبران سیاسی و شخصیت‌های فکری و فرهنگی با در نظر داشت تنوع قومی و زبانی و مذهبی و تناسب و توازن جنسیتی و گرایش‌های سیاسی مصاحبه صورت گرفته است.

پرسش‌های این تحقیق بر محور چهار حوزه اصلی تحقیق: یک؛ تأثیر عوامل بیرونی، دوم؛ عوامل داخلی، سوم؛ تلاش‌ها و چالش‌های اصلی برای رسیدن به صلح، چهارم؛ راهکارهای بنیادی برای عبور از جنگ و تأمین صلح پایدار، تنظیم شده است.

جنگ و منازعه در افغانستان متأثر از عوامل خارجی و داخلی است و این تأثیر و تأثر در زمان‌های مختلف، متفاوت بوده است. یافته‌های این پژوهش در حوزه مربوط به عوامل منطقه‌ای و جهانی جنگ و صلح، نشان می‌دهد که گروه‌های تروریستی و افراطی با استفاده از تنش‌های موجود میان دولت‌ها، تمام منطقه را به آشوب کشانده‌اند. در این آشفتگی، گروه‌های تروریستی و بازی‌گران بی‌دولت، مرزها را می‌شکنند و در نقش عامل یکی از قدرت‌های منطقه‌ای یا جهانی ظاهر می‌شوند. بخشی از

چالش‌های فراراه صلح نیز مربوط به بحران هویت و ستیزهای قومی می‌شود که فراتر از مرزها، در ساختار دولت‌های منطقه ریشه دارد.

در حوزه مربوط به عوامل داخلی، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که گسترش فساد و بی‌عدالتی در سطوح مختلف به اضافه «ناتوانی حکومت در تأمین نیازمندی‌های ابتدایی مردم»، در شعله‌ورکردن نارضایتی جمعی نقش دارند. گسترش فساد در نهادهای دولتی می‌تواند فضای بی‌اعتمادی میان دولت و مردم را تشدید کند. فساد و بی‌عدالتی تضادهای محلی را تشویق و تشدید میکند که این مسأله منجر به خلق فضای خشونت میشود و ثبات نظام سیاسی متکی بر قانون را تضعیف می‌کند.

اضافه بر آن، توسعه‌نیافته‌گی و فقر، به باور اکثریت مصاحبه‌شونده‌گان موجب رانده‌شدن بخشی از جامعه به سوی خشونت و گروه‌های خشونت‌طلب می‌شود. یا عده‌ای تلاش می‌کنند با ایجاد ناامنی، زمینه‌های امرار معیشت غیرقانونی را فراهم آورند. در بخش موانع، پراکنده‌گی در طیف‌های سیاسی و اجتماعی یکی از موانع اصلی پیش‌برد مؤثر گفت‌وگوهای صلح و به نتیجه رساندن آن به شمار می‌آید. به خصوص هر گونه اختلاف نظر و تضاد دیدگاه در میان رهبران حکومت وحدت ملی یا رهبران و اعضای احزاب سیاسی نسبت به فرایند مصالحه می‌تواند موجب تضعیف تلاش‌ها برای صلح شود. مصاحبه‌شونده‌گان این تحقیق عمدتاً به این باور اند که در قدم اول، وحدت نظر و اجماع ملی شکل بگیرد و پس از اجماع داخلی، بر سر نحوه و شرایط مصالحه و آشتی با توجه به ابعاد منطقه جنگ در افغانستان، توافق یا اجماع منطقه برای تغییر سیاست جنگ و خشونت از سوی کشورهای منطقه ضروری است.

مصاحبه‌شونده‌گان تأکید بر مذاکرات مستقیم میان دولت افغانستان و گروه طالبان دارند. به باور مصاحبه‌شونده‌گان، تمرکز اصلی روی مذاکرات مستقیم میان دولت و طالبان باشد اما مجاری دیپلماتیک و گفت‌وگوهای سازنده با پاکستان و دیگر عوامل منطقه‌ای صلح از یاد نرود. بیشتر مصاحبه‌شونده‌گان معتقد اند که تجربه یک‌ونیم دهه‌ی گذشته، بین نتیجه بودن تأکید بر طالبان بر گفت‌وگو با امریکا، و تأکید دلت افغانستان بر گفت‌وگو با پاکستان را ثابت می‌کند. این مسأله بر یک تجربه تاریخی استوار است. تجربه گفت‌وگوی دولت داکتر نجیب با دولت پاکستان در جینوا و نشست مجاهدین با شوروی منجر به شکست شد و تلاش‌های از این نوع به صلح نینجامید.

در این تحقیق نیز، مصاحبه‌شونده‌گان گفته‌اند که شورای عالی صلح تنها می‌تواند مجرای برای پیش‌برد مسایل تخنیکی صلح باشد و مسوولیت پیش‌برد دیپلوماسی صلح را دستگاه دیپلوماسی کشور به جلو ببرد و فعال شود.

این تحقیق می‌گوید صلح باید در قالب یک برنامه برد-برد پیش برده شود تا مطالبات هر دو جانب در سطح معقولی در برنامه صلح در نظر گرفته شده و تأمین شود. استراتژی برد-باخت و یا غلبه از راه نظامی و جنگ ممکن است در کوتاه‌مدت مسیر باشد، اما راه‌حل اساسی و نهایی را فراهم نمی‌سازد.

این پژوهش پس از ارائه یافته‌ها؛ برای دولت، جامعه مدنی و جامعه جهانی مجموعه‌ی از پیشنهادها را جهت تأمین ثبات و بازگرداندن صلح ارائه می‌کند.

۱- باید تلاش‌های متمرکزی برای آغاز گفت‌وگوهای مستقیم میان دولت و طالبان صورت گیرد.

۲- تنها راهبرد نظامی کافی نیست، بنا بر این باید سیاست «چوب و هویج» برای به مذاکره‌کشاندن مخالفین قویاً دنبال شود و در یک چهارچوب برد - برد، راهحل سیاسی برای منازعات موجود جست‌وجو شود.

۳- برای تأمین وحدت نظر و هم‌آهنگی و هم‌صدایی داخلی، باید اجماع نظر در رابطه با صلح و جنگ میان رهبران دولت، احزاب سیاسی و چهره‌های اثرگذار و ذی‌نفوذ اجتماعی شکل داده شود، تا چندمحوری و چندصدایی موجب تضعیف تلاش‌ها برای صلح و میزان موفقیت مذاکرات با مخالفین مسلح نشود.

۴- دولت باید تلاش کند تا گفتمان قومی حاکم بر سیاست جاری در کشور را که به نحوی از انحا مانع تحقق صلح و موفقیت روند مصالحه با مخالفین مسلح شده است، با عمل‌کردی ملی به اجماعی ملی برای صلح و هم‌زیستی عادلانه تبدیل کند تا شبهات و هراس‌ها از تغییر موازنه‌ی قدرت در صورت موفقیت مذاکرات با مخالفین مسلح و پیوستن آن‌ها به نظام سیاسی موجود، از بین برود.

۵- شورای عالی صلح به عنوان نهاد بی‌طرف و مسلکی که مسوولیت امور تخنیکی روند مصالحه را بر عهده دارد، بازآرایی شود و شفافیت لازم در امور مصارف مالی آن به وجود بیاید تا بتواند اعتماد همه‌ی جوانب به شمول مخالفین مسلح را جلب کند. این شورا نباید مانعی برای تلاش‌های علما و نهادهای مدنی و اجتماعی برای صلح باشد، اما باید در رابطه با چگونگی پذیرش و یا رد طرح‌ها و یا ابتکارات اجتماعی نهادهای مدنی و دینی در موارد مرتبط به مذاکرات مستقیم با مخالفین مسلح، تصمیم نهایی داشته باشد.

۶- با توجه به ضرورت‌های سیاست‌های جاری منطقه‌ای و بین‌المللی و نوع ارتباط معضلات و مشکلات داخلی کشور با عوامل بیرونی، دولت باید دیپلماسی روشن و فعالی را در رابطه به پلت‌فارم‌های منطقه‌ای صلح، طرح و دنبال کند و از سیاست انفعال و انتظار عبور کند و ابتکار عمل را در این مورد که مهم‌ترین مسأله در حوزه‌ی منافع ملی کشور می‌باشد، در دست بگیرد. مهم‌ترین مسأله، ظهور گروه‌های بسا تندروتر و خشن‌تری مانند داعش در افغانستان است که نباید اجازه داده شود تا جریان‌های افراطی و خشن با تقسیماتی از قبیل پدیده‌ی غربی یا شرقی، احیاکننده‌ی جنگ نیابتی از نوع جنگ سرد آن، میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شود.

۷- دولت باید برنامه‌های جاری را با طرح استراتژی روشن برای متحول‌ساختن نظام روابط قدرت در منطقه نسبت به افغانستان، از جغرافیای سیاسی رقابت‌زا به جغرافیای اقتصادی متصل‌کننده‌ی حوزه‌های اقتصادی مختلف در سطح منطقه، تقویت کرده و در این زمینه ابتکار عمل را به دست بگیرد.

۸- دولت باید طرح‌ها و برنامه‌های ویژه‌ی را در رابطه با اصلاح نظام تعلیمات دینی و ورود اندیشه‌های افراطی به کشور روی دست بگیرد.

۹- دولت باید با تقویت حکومتمداری خوب و تأمین شفافیت و حساب‌دهی در نظام اداری و قضایی کشور، موجبات رضایت مردم را فراهم آورد تا زمینه‌های اجتماعی توسعه‌ی متوازن فراهم شده و روند مرکزگریزی و تمایل مبارزه با نهادهای رسمی از میان برداشته شود.

۱۰- دولت باید برنامه‌های ویژه‌ی را برای جوانان روی دست بگیرد و از مراجعه‌ی آنان به گزینش گزینه‌های «خروج» یا «خشونت» جلوگیری کند.

برای احزاب سیاسی و نهادهای مدنی

۱- با توجه به آسیب‌پذیری و شکننده‌گی اوضاع سیاسی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی به عنوان نهادهای چک و کنترل اعمال و رفتار و سیاست‌های حکومت، باید سیاست اصلاح‌گرانه را دنبال کرده و آن را جای‌گزین تلاش‌های پراکنده و هر چند حاشیه‌ای «تضعیف‌کننده» یا «براندازانه» کنند. زیرا هر نوع خدای احتمالی قدرت و یا امیدواری به تغییر حکومت، می‌تواند مخالفین مسلح را به فرصت‌های جدید امیدوار سازد و فرایند مصالحه را با تأخیر و تعلل و حتا شکست مواجه کند.

۲- احزاب سیاسی و نهادهای مدنی و به خصوص نهادهای دینی و علمی باید سهم قوی و قدرت‌مندی در بسیج افکار عمومی برای صلح و همزیستی عادلانه ایفا کنند و نقش آن‌ها به عنوان مبنا و یا ممد تلاش‌های رسمی دولت برای صلح باید به رسمیت شناخته شود.

۳- احزاب و نهادهای سیاسی باید نقش مبتکرانه و فعالی را در عرصه‌ی صلح ایفا کنند و نباید منتظر نتیجه‌ی تلاش‌های دولت از آدرس شورای عالی صلح و یا دستگاه دیپلوماسی کشور بمانند.

برای جامعه جهانی

۱- جامعه‌ی جهانی در کنار تداوم حمایت‌های اقتصادی و سیاسی از نظام سیاسی افغانستان، از برنامه‌های دولت برای صلح حمایت کرده و فشارها و تنبیهات لازم را بر کشورهای حامی تروریسم و افراطگرایی اعمال کند تا آنان برای همکاری در پروسه‌ی مصالحه در افغانستان وادار شوند.

۲- هر نوع کاهش حمایت و یا انحراف پالیسی از تمرکز لازم بر اوضاع افغانستان، می‌تواند عواقب زیان‌باری برای جامعه‌ی جهانی در پی داشته باشد. بنا بر این انتظار می‌رود که کشورهای عضو ناتو و سایر کشورهای همکار، به افغانستان به عنوان کانون تحولات جدید منطقه و چهارراه رقابت قدرت‌های در حال ظهور نگرسته و برنامه‌های همه‌جانبه‌ای را از طریق پلت‌فارم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای اعاده‌ی ثبات سیاسی و پایان خشونت و افراطی‌گری در افغانستان و منطقه روی دست بگیرند.» (پایان گزارش)